







متن خطبہ‌ی گرانقدر غدیر  
(به همراه ترجمہ فارسی)





### ❦ مقدمه

شاید بتوان گفت تنها خطبه و خطابه ای که پیامبر گرامی اسلام (ص) نه تنها شنیدن و دانستن آن را بر همه‌ی مسلمانان لازم و واجب دانسته‌اند بلکه ابلاغ و رساندن آن به دیگران را نیز بر همگان تکلیف نموده‌اند، خطبه و خطابه غدیر باشد و این امر در مورد هیچ خطبه دیگری از ایشان سابقه ندارد.

با این مقدمه، این سوال در ذهن پیش می‌آید که رسول اکرم (ص) در آن هنگام و در زیر آن آفتاب سوزان، آن همه جمعیت را برای چه نگاه می‌دارد و چه پیامی برای آنها دارد؟

باید این پیام، اساسی‌ترین پیام او باشد و نیز بزرگترین ستون دین او زیرا آن حضرت (ص) برای هیچ یک از پایه‌های دین خود، این گونه دعوت نکرد و این گونه مردم را گرد نیاورد.

این پیام، اساسی‌ترین و اصلی‌ترین پیام اوست، پیامی است که



تمام معصومین (ع)، از خود حضرت امیر المومنین (ع) و حضرت صدیق‌های طاهره (س) گرفته تا بقیدی انجمنی بزرگوار (ع) در مکانها و زمان‌های مختلف به واقعه غدیر و روز غدیر خم اشاره داشته‌اند.

به عنوان نمونه: کلامی از اول مدافع ولایت و اول شهید راه ولایت ذکر می‌کنیم.

• حضرت زهرا (س) چگونه حادثه غدیر را مطرح می‌فرماید؟ ایشان فرمودند:

(( و اعجابه انسیتم یوم غدیر خم ؟ سمعت رسول الله يقول : علی خیر من اخلفه فیکم ، و هو الامام و الخلیفه بعدی ، و سبطای و تسعه من صلب الحسین (ع) ائمه ابرار لئن البعثتموهم وجدتموهم هادیین و مهذبین و لئن خالفتموهم لیکون الاختلاف فیکم الی یوم القیامه . ))

شگفتا! آیا حادثه عظیم غدیر خم را قراوموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام فرمود: علی بهترین کسی است که او را جانشین خود در میان شما قرار می‌دهم علی (ع) امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن و حسین (ع) و نه نفر از فرزندان حسین (ع) پیشوایان و امامانی پاک و نیک‌اند. اگر از آنها اطاعت کنید شما را هدایت خواهند نمود و اگر



مخالفت ورزید، تا روز قیامت بالای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد.

❦ چرا خداوند، ولایت را بزرگترین و بالاترین نعمت ها دانسته است؟

زیرا این مقام ولایت است که تمام نعمت ها را به کار می گیرد و به جریان می اندازد و این مقام ولایت است که تمام استعدادها را شکفته می کند و بارور می سازد.

این ولایت، بالاتر از محبت و دوستی و عشق است که عشق مولا علی (ع) در دل دشمنان او هم خانه دارد.

ولایت علی (ع)، نه تنها علی (ع) را دوست داشتن که، علی (ع) را سرپرست گرفتن و از هواها و حرف ها و جلوه ها پریدن است و این ولایت، ادامه ولایت حق است و دنیای تو حید.

ولایت یعنی: تنها علی (ع) را حاکم گرفتن و تنها او را دوست داشتن است.

آنها که ولایت را قبول کردند، آنها بی هستند که یافتند ماشین پیچیده وجود آنها را امام و ولی، بهتر از خود آنها رهبری می کند.



در قرآن مجید چهار آیه اختصاص به غدیر خم دارد:

**اولین آیه:** آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده است که دستور ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین (ع) داده شده است:  
بَايْهَا اَنْرِسُوْلُ، بَلِّغْ مَا اَنْزَلَ اِلَيْكَ مِنْ رَّبِّكَ ...

**دومین آیه:** آیه ۳ سوره مبارکه مائده است:  
اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِيْنًا.

**سومین آیه:** آیات ۱ و ۲ سوره مبارکه معارج است:  
سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ...

**و آیه چهارم،** آیه ۷۹ سوره مبارکه بقره است:  
فَوَيْلٌ لِلَّذِيْنَ يَكْتُمُوْنَ الْكِتَابَ ...

که اشاره به پیمان نامه‌ی سیاسی تعدادی از منافقین که آن را در اختیار ابوعبید گذاشتند و پیامبر (ص) صبح فردای آن خطاب به او (و آنان) این آیه را خوانند.





## ❦ اعمال مستحب روز عید غدیر خم

اعمال مستحب این روز زیاد است البته تمامی اعمال با توجه به اهمیت اهل بیت (ع) و احادیث و روایات وارده از طرف آن بزرگواران می باشد که از آن جمله است:

۱- زیارت حضرت مولا (ع) (مانند زیارت امین الله)

۲- روزه

۳- افطاری دادن

۴- پوشیدن لباس نو و پاکیزه

۵- تبریک و تهنیت گفتن به یکدیگر

۶- توسعه ی زندگی

۷- جشن گرفتن

۸- حمد و دعا کردن

۹- دید و بازدید

۱۰- زیشت دادن و شادی کردن

۱۱- صلوات فرستادن

۱۲- طعام دادن به شیعیان و اهل ایمان

۱۳- غسل روز عید غدیر

۱۴- نماز روز و شب عید غدیر خم

۱۵- نیکی و احسان به شیعیان

۱۶- هدیه دادن



۱۷- صله رحم

۱۸- و -

مولا (ع) در خطبه عید غدیر خود (که خطبه غدیریّه نامیده شده) به تفسیر و تحلیل این رویداد عظیم تاریخ پرداخته است. تنها کسانی می‌توانند از غدیر بگویند که خود پدید آورنده آن باشند تنها زیبنده خلوتند، پیامبر (ص) و مولا علی (ع) است که غدیر را به بهترین وجه و شکل معرفی نمایند.

**خطبه‌ی امیرالمومنین علی (ع) در روز عید غدیر خم:**

**خطبه غدیریّه در منابع روایی**

اگرچه در کتب اربعه‌ی اول یافت نمی‌شود، اما در دیگر منابع معتبر وجود دارد که برخی از آنها را یادآور می‌شویم.

۱- مصباح المتجهّد وسلاح المتعبّد: تألیف شیخ طوسی، مؤلف کتابهای «استبصار» و «تهذیب الاحکام».

۲- اقبال الاعمال: سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴ هـ.ق).

۳- مصباح کفعمی: یا «جنت الامان الواقیة وجنت الایمان الباقیة» تسبیح تقی‌الدین ابراهیم بن علی ابن الحسن - «مصباح



کفعمی» (متوقای ۶۰۵ هـ.ق).

۴- بحار الانوار: علامه ملا محمد باقر مجلسی، این خطبه را از «مصباح الزائر»، تألیف سید ابن طاووس، صاحب «اقبال الاعمال» و به طور کامل در «بحار الانوار» نقل کرده است،  
لکن با نسخه «مصباح المتعجد» اندکی تفاوت دارد.

۵- مستند الامام الرضا (ع): مؤلف این اثر، متن کامل خطبه را از کتاب «مصباح المتعجد» نقل کرده است.

و منابعی که تنها به نقل پاره هایی از خطبه بسنده کرده اند:

- ۱- منافع این شهر آشوب: تألیف رشیدالدین محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی (ره) (متوقای ۵۸۸ هـ.ق)
- ۲- وسائل الشیعه: شیخ حرّ عاملی (ره).
- ۳- تفسیر نور الثقلین: محدث مفسر عبدعلی حویزی (ره)
- ۴- جامع احادیث الشیعه
- ۵- الغدير: علامه امینی (ره).



❦ شکوه غدیر در نگاه مولا امیرالمومنین علی (ع):

۱- روز غدیر، عید بزرگ:

«ان الله جمع لكم معشر المؤمنين، في هذا اليوم عیدین عظیمین کبیرین».

آن گونه که پیش از این نیز یادآوری شد: هنگامی که امام (ع) این خطبه را ایراد فرمود، روز غدیر مصادف با روز جمعه بوده است، به همین دلیل تعبیر به «عیدین» کرده و هر دو را به عظمت و بزرگی یاد کرده است.

پیامبر (ص) فرمود:

«یوم غدیر خم افضل اعیاد امتی»

امام صادق (ع) فرمود:

«انه یوم عید و فرح و سرور»

۲- روز بیان اراده خدا و روز بلاغ:

«فانزل الله علی نبیه فی یوم الدوح ما بین به عن اراده فی خلصائه و ذوی اجتباائه و امره بالبلاغ...».

«واژه دوح» جمع «دوحه» به معنای درختان بزرگ و تنومند است.

امام (ع) می فرماید: آن روز زیر درختان تنومند، آیاتی نازل



که مبین اراده خدا برای بندگانش خالص، مخلص و برگزیده  
اوست.

از جمله «(بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ)» در آیه ابلاغ، بخوبی روشن  
می شود که پیش از آن ولی امر تعیین شده بود و آن روز تنها  
برای معرفی و ابلاغ بوده است.

۳- غدیر روز بزرگ، روز گشایش، روز تکامل...:  
«(ان هذا يوم عظيم الشأن، فيه وقع الفرج ورفعت الدرج  
ووضعت الحجج)».

روزی که نردبان تکامل افراشته شد و با طرح مسئله امامت و  
معرفی امام، دین به کمال لازم خود رسید، روزی که حجت‌ها  
آشکار شد.

۴- روز پرده برداری از مقام امامت:

«(هذا يوم الايضاح والافصاح عن المقام الصراح)».

«افصاح» به معنای اظهار کردن و مترادف با «ایضاح» است.  
مقام صراح یعنی: جایگاه پاک، پیراستگی و منظور از آن مقام  
عصمت و امامت است.

۵- روز کامل شدن دین:

«(ويوم كمال الدين...)».



## ۶- روز پیمان بستن:

«و یوم العهد المعهود».

شاید عهد معهود اشاره به عهدی باشد که در آغاز خلقت از انسان گرفته شد. «و اذ اخذ ربک من بنی آدم...» (اعراف، ۱۷۲)

در دعای غدیر نیز از زبان مولا می خوانیم:  
«و جدت لنا عهدک و ذکرتنا میثاقک المأخوذ منافی ابتداء خلقک ایانا»

## ۷- روز شهود و حضور:

«و یوم الشاهد و المشهود».

پیامبر (ص)، شاهد و علی (ع)، مشهود است  
پیامبر (ص) شهادت به ولایت علی (ع) داد و انسانها و فرشتگان  
بر این امر گواهی دادند.

## ۸- روز نمایش قرارها از دورویی ها:

«و یوم تبیان العتود عن النفاق و الجحود».

روزی که خط حق از جریان نفاق مشخص شد، روزی که  
باعث شد حامیان واقعی از مدعیان دروغین جدا شوند؛ آنان که  
حقایق را آگاهانه انکار کردند.



خود مولا (ع) نیز می فرماید: «و کشف حجاب اهل الیوم  
و ضمائر اهل الارتداد: وقع الاذعان من طائفة باللسان دون  
حقائق الايمان ومن طائفة باللسان وصدق الايمان.»

#### ۹- روز بیان حقایق:

«(یوم البیان عن حقائق الايمان).»  
روزی که خط ایمان از دیگر خطوط ممتاز شد.

#### ۱۰- روز راندن شیطان:

«(یوم دحر الشیطان).» «دحر» بر وزن «دهر» به معنای راندن  
است.

امام رضا (ع) می فرماید:  
«(یوم مرغمة الشیطان).»

#### ۱۱- روز برهان:

«(یوم البرهان).»

روز غدیر دلیل حقانیت اهل ولایت و رهروان امام و ولی الله  
الاعظم و منصوب الهی است، و دلیل و برهانی است که تاریخ،  
حدیث و تفسیر گواه آن است.



## ۱۲- روز داوری:

«هذا يوم الفصل الذي كنتم تكذبون»

(تشبیه غدیر به قیامت) روز غدیر، روز جدایی و فصل حق از باطل است.

## ۱۳- روز فرشتگان:

«هذا يوم الملاء الاعلى اذ يختصمون»

غدیر روز فرشتگان و الامقام در عالم بالاست.

امام رضا (ع) می فرماید:

«وهو اليوم الذي يأمر جبرئيل ان ينصب كرسي كرامة بازاء بين المعمور ويصعد جبرئيل وتجتمع اليه الملائكة من جميع السموات»

## ۱۴- روز رهنمون:

«هذا يوم الارشاد»

## ۱۵- روز آزمون:

«ويوم محنة العباد»

«محنت» به معنای آزمودن است و «امتحان» نیز از همین باب است.





### ۱۶-روز پیشاهنگان:

«یوم الدلیل علی الرواد».

«رواد» جمع «راید» به معنای پیش قراول است. روز غدیر دلیلی است بر شناخت پیشگامان «والسابقون السابقون» اولئك المقربون»

### ۱۷-روز هویدا شدن نهان ها:

«هذا یوم ابدی ختایا الصدور و مضمرات الامور».

روز گوشزد کردن مجدد جریان نفاق و دورویی های منموم

### ۱۸-روز شناسایی خاصان:

«هذا یوم النصوص علی اهل الخصوص».

معرفی علی(ع) به عنوان ولی امر، بدون هیچ پرده پوشی و به دور از هرگونه کنایه.

### ۱۹-روز اوصیا و انبیا:

«هذا یوم شیخ، هذا یوم ادریس، هذا یوم یوشع، هذا یوم شمعون هذا یوم هود».

روز غدیر یادآور نقاط حساس در نبوت و وصایت است که بسیاری از انبیا از جمله پیامبر اسلام(ص) در آن تعیین جانشین کرده اند.



## ۲۰- روز آسایش و آسودگی:

«هذا يوم الامن المأمون».

پیامبر (ص) می فرمایند:

«اللَّهُ اكبر على اكمال الدين واتمام النعمة ورضى الرب

بـرسالتی والولاية لعلي من بعدی.»

خود مولا هم می فرمایند: «واقـر عین نبیه والمؤمنین

والتابعین، وضمن له عصمته منهم»

## ۲۱- روز گنج پنهان:

«هذا يوم اظهار المصون من المكنون».

غدیر روزی است که آنچه در نهان نگهداری می شد، علنی

گردید.

## ۲۲- روز آشکار شدن رازها:

«هذا يوم ابلاء السرائر».

روزی که اسرار درون اعم از کفر و ایمان، بغض و حمیه شر و

خیر، ریا و اخلاص و... آشکار شد.





## خطبه پیامبر اکرم (ص) در روز غدیر خم

۱- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَدَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَجَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَعَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَأَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَهُوَ فِي مَكَانِهِ وَقَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَبُرْهَانِهِ، حَمِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَخْمُودًا لَا يَزَالُ (وَمَجِيدًا لَا يَزُولُ، وَمَبْدَأًا وَمُعِيدًا وَكُلُّ أَمْرٍ إِلَيْهِ يَعُودُ).

۲- بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَدَاحِي الْمَذْخُوتِ وَجِبَارُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ، قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، مَتَّعْضِلٌ عَلَيَّ جَمِيعَ مَنْ بَرَأَهُ، مَتَّطَوِّلٌ عَلَيَّ جَمِيعَ مَنْ أَنْشَأَهُ يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَالْعَيْنُونَ لِأَثَرِهِ. كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذَوَّانَاتٍ، قَدْ وَسَّعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتَهُ وَ مَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ لَا يَعْجَلُ بِإِنْتِقَامِهِ، وَلَا يَبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ.

۳- قَدْ قَهَرَهُمُ السَّرَائِرُ وَ عِلْمُ الضَّمَانِ، وَلَمْ تَخْفَ عَلَيْهِ الْمَكْتُونَاتُ وَلَا اسْتَتَبَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ. لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْعَلْبَةُ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَالْقُدْرَةُ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ. وَهُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ دَائِمٌ حَيٌّ وَقَائِمٌ بِالْقِسْطِ، لَا إِلَاهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.



## خطبه پیامبر اکرم (ص) در روز غدیر خم

بخش اول: حمد و ثنای الهی

[۱] سنایش خدای را سزااست که در یگانگی اش بلند مرتبه و در قنهای اش به آفریدگان نزدیک است. سلطنتش پر جلال و در ارکان آفرینش اش بزرگ است. بر همه چیز احاطه دارد بی آنکه مکان گیرد و جابه جاشود و بر تمامی آفریدگان به قدرت و برهان خود چیره است. همواره ستوده بوده و خواهد بود. مجد و بزرگی او را پایانی نیست آغاز و انجام از او و برگشت تمامی امور به سوی اوست.

[۲] اوست آفریتنده ی آسمان ها و گستراننده ی زمین ها و حکمران آنها. دور و منزله از خصایص آفریده هاست و در منزله بودن خود نیز از نقدیس همگان برتر. هموست پروردگار فرشتگان و روح، افزونی بخش بر آفریدگان، و بخشنده ی بر همه موجودات است. به نیم نگاهی دیده ها را ببیند و دیده ها هرگز او را نبینند. کریم و بردبار و شکیباست. رحمتش جهان شمول و عطایش منت گزار در انتقام و کفر سزاواران عذاب بی شتاب است.

[۳] بر نهان ها آگاه و بر درون ها دانا. پوشیده ها بر او آشکار و پنهان ها بر او روشن است. بر هر هستی فراگیر و چیره. نیروی آفریدگان از او و توانایی بر هر پدیده ویژه ی اوست، او را همانندی نیست.

در تاریکستان لاشیء او هستی بخش هر هستی است جاودانه و زنده و عدل گستر، خداوندی جز او نباشد و اوست ارجسند و حکیم.



٤- جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْبَصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْبَصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايِنَتِهِ وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرِّهِ وَ عَلَانِيَةٍ إِلَّا بِمَادِلٍ عَزَّوَجَلَّ عَلَي نَفْسِهِ.

٥- وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ، وَالَّذِي يَغْشَى الْأَبَدَ نُورَهُ، وَالَّذِي يَنْفُذُ أَمْرَهُ بِالْمُشَاوَرَةِ مُشِيرٌ وَلَا مَعَهُ شَرِيكَ فِي تَقْدِيرِهِ وَلَا يُعَاوَنُ فِي تَدْبِيرِهِ.

٦- صَوَّرَ مَا ابْتَدَعَ عَلَي غَيْرِ مِثَالٍ، وَ خَلَقَ مَا خَلَقَ بِالْمَعُونَةِ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكْلَفٍ وَلَا اخْتِيَالٍ. أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ وَ بَرَأَهَا فَبَانَتْ. فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُتَّقِنُ الصَّنِيعَةُ، الْحَسَنُ الصَّنِيعَةُ، الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تُرْجَعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ.

٧- وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ.

٨- مَلِكُ الْأَمَلَاكِ وَ مُفْلِكُ الْأَفْلَاكِ وَ مُسَخِّرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى. يَكُونُ اللَّيْلُ عَلَي النَّهَارِ وَ يَكُونُ النَّهَارُ عَلَي اللَّيْلِ يَظْلُمُهُ حَتَّى مَا قَاصِمُ كُلِّ جَبَّارٍ عَتِيدٍ وَ مَهْلِكُ كُلِّ شَيْطَانٍ مُرِيدٍ.



[۴] دیده ها را بر او راهی نیست و اوست که دیده ها را دریابد و اوست بر پنهانی ها آگاه و بر کارها دانا ، از دیدن ، کسی و صفی را نیابد و بر چگونگی او از نهان و آشکار دست نیازد مگر او - عز وجل - راه نماید و خود را بشناساند.

[۵] گواهی می دهم که او « الله » است همو که تنزهش سراسر روزگار را فرا گرفته و پر توش ابدیت را شامل است . فرمانش را بی مشاور اجرا کند و تقدیرش را بی شریک امضاء و هستی را بی باور سامان دهد .

[۶] صورت آفرینش او را الگویی نبوده ، آفریدگان را بدون یاور و سختی و حيله ، هستی بخشیده است جهان با ایجاد او موجود و یا آفرینش او پدیدار شده است .

پس اوست « الله » و معبودی جز او نیست هم او که صنعتش استوار و ساختمان آفرینش اش زیباست ، دادگری که ستم روا نمی دارد و بخشنده ترین که کارها به او باز می گردد .

[۷] و گواهی می دهم که او الله است که هر هستی در برابر بزرگی اش فروتن و در مقابل ارجمندی اش رام و به توانایش تسلیم و به هیبت اش خاضع است .

[۸] پادشاه هستی ها و چرخاننده ی سپهرها و رام کننده ی آفتاب و ماه که هر یک تا اجل معین جریان یابند . او پرده ی شب را به روز و پرده ی روز را به شب - که شتابان در پی شب است - (اعراف / ۵۴) به پیچد هم او شکننده ی هر ستمگر باطل گرا و نابود کننده ی هر شیطان سرکش است :



٩- لَمْ يَكُنْ لَهُ ضِدٌّ وَلَا مَعَهُ نَدٌّ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. إِلَٰهٌ وَاحِدٌ وَرَبُّ مَا جَدَّ يَشَاءُ فَيُمِضِي، وَيُرِيدُ فَيَقْضِي، وَيَعْلَمُ فَيُخْصِي، وَيَمِيتُ وَيُحْيِي، وَيَقْفَرُ وَيَغْنِي، وَيَضْحَكُ وَيَبْكِي، (وَيَذْنِي وَيُقْصِي) وَيَمْنَعُ وَيُعْطِي، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

١٠- يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ. مُسْتَجِيبُ الدُّعَاءِ وَمُجْزِلُ الْعَطَاءِ، مُخْصِي الْأَنْفَاسِ وَرَبُّ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ، الَّذِي لَا يَشْكُلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَلَا يَضْجِرُهُ صِرَاحُ الْمُسْتَضْرِخِينَ وَلَا يَبْرُمُهُ الْحَاحُ الْمُلْحِينَ. الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَالْمَوْفِقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَرَبُّ الْعَالَمِينَ. الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيُحْمَدَهُ (عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ).

١١- أَحْمَدُهُ كَثِيرًا وَأَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَيَّ السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، وَأَوْمِنُ بِهِ وَبِمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ. أَسْمَعُ لِأَمْرِهِ وَأَطِيعُ وَأَبَادِرُ إِلَيْهِ كُلِّ مَا يَرْضَاهُ وَأَسْتَسْلِمُ لِمَا قَضَاهُ، رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَخَوْفًا مِنْ عِقَابِهِ، لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمَنُ مَكْرُهُ وَلَا يَخَافُ جَوْرُهُ.





[۹] نه او را ناسازی باشد و نه برایش مانند و انبازی، بکتا و بی نیاز، نه زاده و نه زائیده شده و او را همناهی نبوده (سوره اخلاص)، خداوند یگانه و پروردگار بزرگوار است. بخواهد به انجام رساند، اراده کند و حکم نماید، بداند و بشمارد، بمیراند و زنده کند، نیازمند و بی نیاز فرماید، بخنداند و بگریاند نزدیک آورد و دور برد، باز دارد و عطا کند اوراست پادشاهی و سنایش، به دست توانای اوست تمام نیکی و هم اوست بر همه چیز توانا.

[۱۰] شب را در روز و روز را در شب فرو برد، جز او خداوندی نباشد گرانقدر و آمرزنده، پذیرنده ی دعا و افزایشده ی عطا، برشمارنده نفس ها و پروردگار پری و اتسان، چپزی بر او مشکل ننماید.

فریاد فریاد کنندگان، او را آزرده نکند و اصرار اصرار کنندگان او را به ستوه نیاورد. نیکوکاران را نگاهدار و رستگاران را یار، مومنان را صاحب اختیار و جهانیان را پروردگار است، هم او که در همه ی احوال سزاوار سپاس و سنایش آفریدگان است.

[۱۱] او را ستایش فراوان و سپاس جاودانه می گویم در شادی و رنج و آسایش و سختی و به او و فرشتگان و نبشته ها و فرستاده هایش امان داشته فرمان او را گردن بی گذارم و اطاعت می کنم و به سوی هر آنچه مایه ی خوشنودی اوست، می شتابم و به حکم و فرمان او تسلیم، چرا که به فرمان بری او شایق و از کبفر او ترسادم زیرا او خدایی است که کسی از مکرش در امان نبوده و از ستم اش ترسان نباشد (زیرا او را ستمی نیست).



١٢- وأقرئه علي نفسه بالعبودية و أشهد له بالربوبية،  
وأودّي ما أوحى به إلي حذراً من أن لا أفعل فتحلب بي منه  
قارعة لا يدفعها علي أحد وإن عظمت حيلته وصفت خلقته  
- لا إله الا هو - لأنه قد أعلمني أنني إن لم أبلغ ما أنزل إلي  
(في حق علي) فما بلغت رسالته، وقد ضمن لي تبارك  
وتعالى العصمة (من الناس) و هو الله الكافي الكريم.  
فاوحى إلي: (بسم الله الرحمن الرحيم، يا أيها الرسول بلغ  
ما أنزل إليك من ربك - في علي يعني في الخلافة لعلي  
بن أبي طالب - وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله  
يعصمك من الناس).

١٣- معاشر الناس، ما قصرت في تبليغ ما أنزل الله تعالى  
إلي، و أنا آيئن لكم سبب هذه الآية: إن جبرئيل هبط إلي  
مراراً ثلاثاً يأمرني عن السلام ربي - و هو السلام - أن  
أقوم في هذا المشهد فأعلم كل أبيض وأسود: أن علي بن  
أبي طالب أخي و وصيي و خليفتي (علي أمتي) والإمام من  
بعدي، الذي محله مني محل هارون من موسى إلا أنه  
لا ينبغي بعدي وهو وليكم بعد الله و رسوله، وقد أنزل الله  
تبارك و تعالى علي بذلك آية من كتابه (هي: إنما  
وليكم الله و رسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلاة و  
يؤتون الزكاة وهم راكعون)، وعلي بن أبي طالب الذي أقام  
الصلاة و آتي الزكاة وهو راكع يريد الله عز وجل في كل حال.



## بخش دوم: فرمان الهی برای مطلبی مهم

۱۲۱ و اکنون به بندگی خویش و پروردگاری او گواهی میدهم . و وظیفه ی خود را در آنچه وحی شده انجام میدهم . عباد از سوی او غذایی فرود آید که کسی را برای دور ساختن آن از من نباشد . هرچند توانش بسیار . دوستی اش با من خالص باشد . خداوندی جز او نیست . چرا که ید من هشدار داده که اگر آنچه در حق علی نازل کرده ، به مردم ابلاغ نکنم ، وظیفه ی رسالتش را انجام نداده ام و خود او - تبارک و تعالی - اسنیت از آزار مردم را برایم تضمین کرده و البته که او پسندیده و بخشنده است . پس آنگاه خداوند چنین وحی ام فرمود:

«به نام خداوند همه مهر مهرورز ای فرستاده ی ما آنچه از سوی پروردگارت درباره علی و جانشینی او بر تو فرو فرستادیم به مردم برسان و گرنه رسالت خداوندی را به انجام نرسانده ای و او تو را از آسیب مردمان نگاه میدارد...» (مائده/۶۷).

۱۲۳ | هان مردمان ! در تبلیغ آنچه خداوند بر من نازل فرموده کوتاهی نکرده ام و اکنون سبب نزول آیه را بیان می کنم : همانا جبرئیل از سوی سلام پروردگارم - که تنها او سلام است - سه مرتبه بر من فرود آمد و فرمائی آورد که در این مکان به پا خیزم و به هر سفید و سیاهی اعلام کنم که علی بن ابیطالب برادر وصی و جانشین من در میان امت و امام پس از من است هم او که جایگاه اش نسبت به من به سان هارون نسبت به موسی است مگر این که پیامبری پس از من نخواهد بود و او پس از خدا و رسول او صاحب اختیار شمس است و خداوند تبارک و تعالی آیه ای بر من نازل فرموده که « همانا تنها ولی و سرپرست و صاحب اختیار شما خداوند و پیامبرش و مؤمنانی اند که نماز به پا می دارند و در رکوع زکات می پردازند ...» (مائده/۵۵) و قطعاً علی بن ابیطالب نماز بر پا داشته و در رکوع زکات پرداخته و پیوسته خداخواه است (مائده/۵۵) و قطعاً علی بن ابیطالب نماز بر پا داشته و در رکوع زکات پرداخته و پیوسته خداخواه است .



١٤- وَسَأَلْتُ جِبْرِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي (السَّلامَ) عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ - أَيُّهَا النَّاسُ - لِعَلَّمِي بِقَلْبِهِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةَ الْمُنَافِقِينَ وَادْغَالِ الْكَافِرِينَ وَحِيلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِالسَّيِّئَةِ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَيُحْسِبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ.

١٥- وَكَثْرَةَ آذَاهُمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْنِي أَذْنًا وَزَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكَ لِكَثْرَةِ مَلَاذِمَتِهِ إِيَّايَ وَإِفْهَالِي عَلَيْهِ (وَهُوَ أَوْ قُبُولُهُ مِنِّي) حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي ذَلِكَ (وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ، قُلْ أَذُنٌ - (عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أَذُنٌ) - خَيْرٌ لَكُمْ، يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) . وَلَوْ شِئْتُ لَأَنزَلْتُ بِأَسْمَائِهِمُ الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَأَنْ أَوْصَى إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لِأَوْمَاتٍ وَأَنْ أَذِلُّ عَلَيْهِمْ لَدَلَّيْتُ، وَلَكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكْرُمْتُ.

١٦- وَكُلُّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أَبْلُغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلِيٍّ)، ثُمَّ تَلَا: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي حَقِّ عَلِيٍّ - وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).



۱۴] و من از جبرئیل در خواستم که از خداوند سلام اجازه کند و مرا از مأموریت تبلیغ به شما معاف دارد زیرا کمی پرهیزگاران و فزونی عساققان و دسیسه ملامت نگران و عکس مسخره کنندگان اسلام را میدانم همانان که خداوند در وصفشان در کتاب خود فرموده: «...به زبان می گویند آن را که در دلهایشان نیست و آن را اندک و آسان می شمارند حال آنکه نزد خداوند بس بزرگ است...» (نور/۱۵)

۱۵] و نیز از آن روی که متافقان بارها مرا آزار رسانیده اند تا بدان جاکه سرا اذن (سخن شنو و زود باور) نامیده اند به خاطر همراهی افزون و تمایل و پذیرش علی از من و توجه ویژه ی من به او، تا بدان جا که خداوند آیه ای فرو فرستاد (نوبه/۶۱) «و از آنان اند کسانی که پیامبر خدا را آزرده، گویند او سخن شنو و زود باور است بگو آری او سخن شنوست بر علیه آنان که گمان می کنند او تنها سخن می شنود - لیکن به خیر شماست او (پیامبر) به خدا ایمان دارد و اهل ایمان را تصدیق کرده راستگو می انگارد و همو رحمت است برای ایمانیان شما و البته برای آنان که او را آزار دهند عذابی دردناک خواهد بود...»

و اگر می خواستم نام گویندگان چنین سخن را بر زبان آورم و به آنان اشارت کنم و مردمان را به سوبشان هدایت کنم (که آنان را شناسایی کنند) میتوانستم. لیکن به خدا سوگند در کارشان کرامت نموده لب فرو یستم.

۱۶] با این حال خداوند از من خستود نخواهد شد مگر فرمان او را در حق علی به شما ابلاغ کنم. آنگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) چنین خواند:

«...ای پیامبر! آنچه در حق علی - از سوی پروردگارت بر تو فرود آمده ابلاغ کن و مگر نه رسالت او را انجام نداده ای و البته خداوند تو را از آسیب مردمان نگاه می دارد...» (مائده/۶۷)



١٧- فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ (ذَلِكَ فِيهِ وَأَفْهَمُوهُ وَعَلِمُوا)  
 أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَيِ  
 الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَعَلَى  
 الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَعَلَى الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ  
 وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَعَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ،  
 مَاضٍ حُكْمُهُ، جَارٍ قَوْلُهُ، نَافِذُ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ،  
 مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَصَدَّقَهُ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ  
 وَأَطَاعَ لَهُ.

١٨- مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقُومُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ،  
 فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْقَادُوا لِأَمْرِ (اللَّهِ) رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ  
 عَزَّوَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَإِلَاهُكُمْ، ثُمَّ مِنْ حَوْلِهِ رَسُولُهُ وَنَبِيُّهُ  
 الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيُّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ  
 رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَلَدِهِ إِلَيَّ يَوْمَ تَلْقَوْنَ اللَّهَ  
 وَرَسُولَهُ.

١٩- لِاحْتِلَالِ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا  
 حَرَّمَهُ اللَّهُ (عَلَيْكُمْ) وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَرَفَنِي  
 الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ  
 وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ.



## بخش سوم: اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیهم السلام

[۱۷] هان مردمان! بدانید این آیه درباره اوست ژرفای آن را بفهمید و بدانید که خداوند او را سرپرست و امام شما قرار داده و پیرویش را بر مهاجران و انصار واجب کرده و بر پیروان آنان در تمکی، و بر صحرائشیمان و شهروندان، و بر عجم و عرب و آزاد و برده و کوچک و بزرگ و سفید و سیاه و هر یکتا پرست، (هشدار) اجرای فرمانش لازم، امرش نافذ، ناسازگارش رانده، پیرو و باور کننده اش در مهر است البته که خداوند او و شتوایان سخن اش و پیروان راهش را آمرزیده است.

[۱۸] هان مردمان! برای آخرین بار در این اجتماع به پا ایستاده (یا شما سخن می گویم) سخنم را شنیده پیروی کنید و فرمان پروردگارتان را گردن گنارید که خداوند عزوجل صاحب اختیار و سرپرست و معبود شماست و سپس سرپرست شما، فرستاده و پیامبر اوست که اکنون با شما سخن می گوید و پس از من به فرعان او، علی ولی و امام شماست و سپس امامت، در فرزندان من از نسل علی خواهد بود تا برپایی رستاخیز که خدا و رسول او را دیدار کنید.

[۱۹] اروا نیست مگر آنچه خدا و رسول و امامان روا دانند و ناروا نباشد مگر آنچه آنان ناروا دانند، و خداوند عز و جل هم روا و هم ناروا را بمن شناسانده و من آموخته هایم را از کتاب خدا و حلال و حرام او را در اختیار علی گذاشته ام.



٢٠- معاشير الناس، (فضلوهُ). مامن علم إلا وقد أحصاه الله في، وَ كُلُّ عِلْمٍ عَلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلِمْتُهُ عَلَيَا، وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ (الذي ذكره الله في سُورَةِ يَس: (وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ).

٢١- معاشير الناس، لا تضلوا عنه ولا تنفروا منه، ولا تستنكفوا عن ولايته، فهو الذي يهدي إلى الحق ويعمل به، ويَرْهَقُ الباطل وَيُنْهِي عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ.

٢٢- أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِى أَحَدٌ)، وَالَّذِي هَدَى رَسُولُ اللَّهِ بِنَفْسِهِ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ.

٢٣- (أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَ أَوَّلُ مَنْ عْبَدَ اللَّهَ مَعِي. أَمْرُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي، فَفَعَلَ فَادِيَا لِي بِنَفْسِهِ).

٢٤- معاشير الناس، فَضْلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.

٢٥- معاشير الناس، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَيَّ أَحَدٌ أَتَكَرَّ وَلَا يَتَّهَ وَلَنْ يَغْفِرَ لَهُ، حَتَّمَا عَلَيَّ اللَّهُ أَنْ يَفْعَلَ





[۲۰] هان مردمان! او را برتر دانید، هیچ دانشی نیست مگر اینکه خداوند در جان من نباشد و من تمامی آن را در جان علی امام پرهیزکاران ضبط کرده ام: و دانستی نبوده مگر اینکه آن را به علی آموخته ام او پیشوای روشنتر است که خداوند در سوره یاسین از او گفتگو کرده: «و علم هر چیز را در امام عیین برشمرده ایم...» (یس / ۱۲)

[۲۱] هان مردمان! او را فراموش نکنید و از امامتش رو برتایید و از سرپرستیش نگریزید چرا که شما را به درستی و راستی خوانده و خود نیز بدان عمل می کند، او باطل را نابود و شما را از آن باز دارد و هرگز نکوهش نکوهش گران او را از کار باز ندارد.

[۲۲] او نخستین مومن به خدا و رسول اوست و کسی در ایمان به من از او سبقت نجسته و همو جان خود را فدای رسول خدا کرده با او همراه بوده است تنها او همراه رسول خدا عبادت می کرد و جز او از مردان کسی چنین نبود. علی اولین نماز گزار و پرسش کننده ی همراه من است از جانب خداوند به او دستور دادم تا (در شب هجرت) در بستر من بیارامد و او نیز فرمان برده پذیرفت که جان خود را فدای من کند.

[۲۴] هان مردمان! او را برتر بدانید که خداوند او را برتری داده و پیشوایی او را پذیرا باشید که خداوند او را (به امامت) نصب کرده است.

[۲۵] هان مردمان! او امام از جانب خداست و خداوند هرگز توبه ی منکر او را نپذیرد و چنین کسی را نیامرزد



ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا تُكَرُّ أَيْدَا الْأَبَادِ وَ  
دَهْرُ الدَّهْوَرِ. فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ. فَتَصْلُوا نَارًا وَقُودُهَا  
النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

٢٦- معاشير الناس، بي - والله - بشر الأولون من النبيين  
والمُرسلين، وأنا - (والله) - خاتم الأنبياء والمرسلين  
والحجة علي جميع المخلوقين من أهل السماوات  
والأرضين. فمن شك في ذلك فقد كفر كفر الجاهلية  
الاولي و من شك في شيء من قلبي هذا فقد شك في  
كل ما أنزل إلي، ومن شك في واحد من الآئمة فقد شك  
في الكل منهم، والشاك فينا في النار.

٢٧- معاشير الناس، خباتي الله عز وجل بهذه الفضيلة منّا  
منه علي وإحساناً منه إلي ولا إله إلا هو، أله الحمد مني  
أبد الأبدين ودهر الداهرين و علي كل حال.

٢٨- معاشير الناس، فضّلوا علياً فإنه أفضل الناس بعدي  
من ذكر و أنثي ما أنزل الله الرزق وبقي الخلق ملعون  
ملعون، مغضوب مغضوب من رد علي قلبي هذا ولم  
يوافقه. ألا إن جبرئيل أخبرني عن الله تعالى بذلك ويقول:  
«من عادي علياً ولم يتولّه فعليه لعنتي و غصبي»  
(ولتنتظر نفس ما قدمت لعد و اتقوا الله - أن تخالفوه فتزل  
قدم بعد ثبوتها - إن الله خير بما تعملون).



این است روش قطعی خداوند درباره ناسازگار با امامت علی و حتماً او را به عذاب دردناک جاودانه کیفر خواهد کرد. پس، از مخالفت او بهراسید و گرنه در آتشی در خواهید شد که آتش گیره ی آن مردمانند و سنگ که برای حق سبزان آماده شده است.

[۲۶] هان مردمان! به خدا که پیامبران پیشین به ظهور بشارت داده اند و همانا من فرجام آنان و برهان بر آفریدگان آسمانپان و زمینانم. آن کسی که راستی و درستی مرا باور نکنند به کفر جاهلی گذشته در آمده و تردید در سخنان امروزم همسنگ تردید در تمامی محتوای رسالت من است و ناباوری در امامت یکی از امامان به سان ناباوری در تمامی آنان است و جایگاه ناباوران امامت ما آتش دوزخ خواهد بود.

[۲۷] هان مردمان خداوند عز و جل از روی منت و احسان خویش این برتری را به من پیش کش کرده و خدایی جز او نیست. هشدار که تمامی ستایش های من در تمامی روزگاران و هر حال و مقام، ویژه ی اوست.

[۲۸] هان مردمان! علی را برتر دانید که او برترین از مردان و زنان، پس از من است تا آن هنگام که آفرینش برپاست و روزیشان فرود آید دور دور باد از مهر خداوند و خشم خشم باد بر آن که این گفته ام را نپذیرد و یامن سازگار نباشد. هان! آگاه باشید جبرئیل سه بار از سوی خداوند خبرم داد هر که با علی ستبزد و بر ولایت او گردن نگذارد نفرین و خشم من بر او باد. البته بایست هر کس بنگرد که برای فردای خویش چه پیش فرستاده پس تقوا پیشه کنید و از ناسازی با علی بپرهیزید، مباد گامهایتان پس از استواری در لغزد و همانا خداوند بر کردارتان آگاه است.



٣٩- معاشير الناس، إنه جنب الله الذي ذكر في كتابه العزيز، فقال تعالى (مُخْبِرًا عَمَّنْ يَخَالِفُهُ): (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ).

٣٠- معاشير الناس، تدبروا القرآن و أفهموا آياته وانظروا إلي محكماته ولا تتبعوا متشابهه، فوالله لن يبين لكم زواجه وكن يوضح لكم تفسيره إلا الذي أنا اخذ بيده ومضعه إلي وسائل بعضه (ورافعه بيدي) ومعلمكم: أن من كنت مولاه فهذا علي مولاه، وهو علي بن أبي طالب أخي ووصيي، وموالاه من الله عز وجل أنزلها علي.

٣١- معاشير الناس، إن علياً والطيبين من ولدي (من صلبه) هم الثقل الأصغر، والقرآن الثقل الأكبر، فكل واحد منهما منبئ عن صاحبه و موافق له، لن يفترقا حتي يردا علي الحوض. ألا إنهم أماء الله في خلقه و حكمته في أرضه.

٣٢- ألا وقد أذيت، ألا وقد بلغت، ألا وقد اسمعت، ألا وقد أوضحت، ألا وإن الله عز وجل قال و أنا قلت عن الله عز وجل،



[۲۹] هان مردمان! او هم جوار و هم سایه ی خداست که در کتاب مگر انقدر خود (قرآن) او را یاد کرده و درباره ستیزندگان با او فرموده: «... عباد کسی در روز رستاخیز بگوید افسوس که درباره ی هم جوار و همسایه ی خداوند کوتاهی کرده ام»

[۳۰] هان سردسان! در قرآن اندیشد کنید و ژرفای آیات آن را دریابید و بر محکמתش نظر کنید و از متشابهات آن پیروی ننمایید. به خداوند سوگند که باطن ها و تفسیر آن را روشن نمی کند مگر همین که دست و بازوی او را گرفته و بالا آورده ام و اعلام می دارم که هر آن کسی که من سرپرست اویم این علی سرپرست اوست و او علی، فرزند ابی طالب، برادر و وصی من است. ولایت و سرپرستی او حکمی از سوی خداست که بر من فرو فرستاده است.

[۳۱] هان مردمان! همانا علی و پاکان از فرزندانم از نسل او یادگار گران سنگ کوچک ترند و قرآن یادگار ارزشمند بزرگتر. هر یک از این دو از دیگر همراه خود حکایت می کند و با آن سازگار است. آن دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر سن وارد شوند. هان! آنان اعانت داران خدا در میان آفریدگان و حاکمان او در زمین اند. هشدار که من وظیفه ی خود را ادا کردم.

[۳۲] هان! من وظیفه ام را ابلاغ کردم و به گوش شما رساندم. هشدار که روشن نمودم. بدانید که این سخن خدا بود و من از سوی او سخن گفتم.



٣٣- **إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ «أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ» غَيْرُ أَخِي هَذَا، أَلَا لَا تَحِلُّ  
إِمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَخِي غَيْرِهِ.**

٣٤- **ثُمَّ قَالَ: «إِيهَا النَّاسُ، مَنْ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟  
قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ. فَقَالَ: أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فِهَذَا عَلِيٌّ  
مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ أَنْصُرَهُ  
وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»**

٣٥- **مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَاعِي عِلْمِي،  
وَخَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي عَلِيٌّ مَنْ آمَنَ بِي وَعَلِيٌّ تَفْسِيرُ كِتَابِ  
اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالِدَاعِي إِلَيْهِ وَالْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَالْمُحَارِبُ  
لِأَعْدَائِهِ وَالْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ وَالنَّاهِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ.**

٣٦- **إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِمَامُ الْهَادِي  
مِنَ اللَّهِ، وَقَاتِلُ الْنَاقِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ.**

٣٧- **يَقُولُ اللَّهُ: (مَا يَبْدُلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ). بِأَمْرِكَ يَا رَبِّ أَقُولُ:  
اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ (وَأَنْصُرْ مَنْ أَنْصُرَهُ  
وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ) وَالْعَنْ مَنْ أَنْكَرَهُ وَاعْظِبْ عَلَيَّ مَنْ جَحَدَ  
حَقِّي.**



[۳۳] هان بدانید! هرگز به جز این برادرم کسی نباید  
امیرالمومنین خوانده شود. هشدار که پس از من امارت مومنان  
بر کسی جز او روا نباشد.

### بخش چهارم: بلند کردن امیرالمومنین (ع) بدست رسول خدا (ص)

[۳۴] سپس فرمود: مردمان! کیست سزاوارتر از شما یان به  
شما<sup>۴</sup> گفتند: خداوند و رسول او. آنگاه فرمود: آن که من  
سرپرست اویم پس این علی ولی و سرپرست اوست. خداوند  
پذیرای ولایت او را دوست دارد و دشمن او را دشمن دارد و بار  
او را یاری کن و رهاکننده ی او را تنها گذار.

[۳۵] هان مردمان! این علی است برادر و وصی و نگاهبان  
دانش من و جای نشین من در میان امت و ایمان آورندگان به من  
و بر تفسیر کتاب خدا، او مردمان را به سوی خدا میخواند و به آنچه  
موجب خوشنودی اوست عمل کند و با دشمنان او ستیز نماید. او  
سرپرست فرمانبرداری خدا باشد و باز دارنده از نافرمانی او.

[۳۶] همانا اوست جانشین رسول الله و فرمانروای ایمانیان، و  
از سوی خدا پیشوای هدایتگر. اوست پیکار کننده ی با پیمان  
شکنان، رویگردانان از راستی و درستی و بدر رفته گان از دین.

[۳۷] خداوند فرماید: « فرمان من دگرگونی نمی پذیرد. »  
پروردگارا، اکنون به فرمان تو می گویم: خداوند دوست داران  
او را دوست دارد و دشمنانش را دشمن. پشتیبانان او را  
پشتیبانی. یارانش را یاری کن و خودداری کنندگان از باری  
اش را رها کن. ناباورانش را از مهرت بران و خشم خود را بر  
آنان فرود آور.



٣٨- اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ الْآيَةَ فِي عَلِيٍّ وَلِيكَ عِنْدَ ثَنِيَيْنِ  
 ذَالِكَ وَتَصْبِيحَ إِيَادٍ لِهَذَا الْيَوْمِ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ  
 وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)، وَقُلْتُ  
 : (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ) ، وَقُلْتُ : (وَمَنْ يَبْتَغِ  
 غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ  
 الْخَاسِرِينَ).

٣٩- اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ.

٤٠- مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ.  
 فَمَنْ لَمْ يَأْتِهِ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وَلَدِي مِنْ صَلْبِهِ إِلَى  
 يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرَضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ  
 حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ (فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ،  
 (لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ).

٤١- مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ، أَنْصَرُكُمْ لِي وَأَحَقُّكُمْ بِي  
 وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَا عَنْتُهُ رَاضِيَانِ.  
 وَمَا نَزَلَتْ آيَةٌ رِضًا (فِي الْقُرْآنِ) إِلَّا فِيهِ، وَلَا خَاطَبَ اللَّهُ  
 الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بِدَائِهِ، وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ،  
 وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ فِي (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ) إِلَّا لَهُ، وَلَا  
 أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرَهُ.





[۳۸] معبودا! تو خود در هنگام بیان ولایت علی و برپایی او فرمودی: «امروز آیین شما را به کمال و نعمتم را برای شما تمام نمودم و با خشتودی اسلام را دین شما قرار دادم. (مانده / ۵)» و نیز گفتی: «همانا دین در نزد خدا تنها اسلام است. (آل عمران / ۱۹)» و فرمودی: «و آنکه به جز اسلام دینی بجوید از او پذیرفته نبوده در جهان دیگر در شمار زیانکاران خواهد بود. (آل عمران / ۸۵)»

[۳۹] خداوند! تو را خواه می گهرم که پیام تو را به مردمان رساندم.

### بخش پنجم: تاکید بر توجه امت به مسئله امامت

[۴۰] هان مردمان! خداوند عزوجل دین را با امامت علی تکمیل نمود. اینک آنان که از او و جانشینانش از فرزندان من و از نسل او تا برپایی رستاخیز و عرضه بر خدا پیروی نکنند کرده هایشان در دو جهان بیهوده بوده در آتش دوزخ جاودانه خواهند بود. «به گونه ای که نه از عذابشان کاسته و نه بر ایشان فرصتی برای نجات خواهد بود. (بقره / ۱۶۱)»

[۴۱] هان مردمان! ابن علی است یاورترین، سزاوارترین، نزدیک ترین و گرانقدرترین شما نزد من و خداوند عزوجل و من از او خشتودیم. آیه ی رضایتی در قرآن نیست مگر درباره او و هرگاه خداوند ابعانیان را خطایی نموده به او آغاز کرده و آیه ی سنایشی نازل نگشند مگر درباره ی او و در سوره ی «هل اتی علی الانسان» گواهی بر بهشت نداده مگر برای او و آن را در حق غیر او فروود نیاورده و به وسیله آن آیه جز او را نستوده است.



٤٢- معاشير الناس، هو ناصر دين الله والمجادل عن رسول الله، وهو النبي النقي الهادي المهدي. نبيكم خير نبي و وصيكم خير وصي (وبنوه خير الأوصياء). معاشير الناس، ذرية كل نبي من صلبه، وذريتي من صلب (أمير المؤمنين) علي.

٤٣- معاشير الناس، إن إبليس أخرج آدم من الجنة بالحسد، فلا تحسدوه فتخط أعمالكم وتزل أقدامكم، فإن آدم أهبط إلى الأرض بخطيئة واحدة، وهو صفوة الله عز وجل، وكيف بكم وأنتم أنتم ومنكم أعداء الله.

٤٤- الأمانة لا تبغض علينا إلا شقي، ولا يوالي علينا إلا نقي، ولا يؤمن به إلا مؤمن مخلص. وفي علي - والله - نزلت سورة العصر: (بسم الله الرحمن الرحيم، والعصر، إن الإنسان لفي خسر) (إلا علينا الذي آمن و رضي بالحق والصبر).

٤٥- معاشير الناس، قد استشهدت الله وبلغتكم رسالتي و ما علي الرسول إلا البلاغ المبين.



[۴۲] هان مردمان! علی یاور دین خدا، دفاع کننده از رسول اوست و هم او پرهیزکار پاکیزه و رهنمای ارشاد شده «به دست خود خدا است.» پیامبرتان برترین پیامبران، جانشین اش برترین جانشینان و فرزندانش بهترین اوصیایند. هان مردمان! فرزندان پیامبران از نسل آفتابند و فرزندان من از نسل اسیرالسومنین علی است.

[۴۳] هان مردمان! به راستی که شیطان اغواگر آدم را با رشک از بهشت رانده، مباد شما به علی رشک ورزید که آنگاه کرده هاینان نابود و گام هاینان لرزان خواهد شد. آدم به خاطر یک استیاء به زمین هبوط کرد حال آنکه برگزیده خداوند عزوجل بود. پس چگونه خواهید بود که شما شما یبید و دشمنان خدا نیز از میان شما یبند.

[۴۴] هشدار که با علی نمی ستیزد مگر شقی و سرپرستی اش را نمی پذیرد مگر رستگار پرهیزکار و به او نمی گروید مگر ایمان دار بی آلاش و به خدا سوگند سوره ی «والعصر» درباره او نازل شده است: «به نام خداوند همه مهر مهرورز. به زمان سوگند که انسان در زیان است.» (والعصر ۱-۲) سگر علی که ایمان آورده و به درستی و شکیبایی آراسته است.

[۴۵] هان مردمان! خدا را عواد می گیرم که پیام او را به شما رساندم و «بر فرستاده و وظیفه ای جز بیان روشن نیست.» (عنکبوت ۱۸ - نور ۵۴)



٤٦- معاشير الناس: (اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ).

٤٧- معاشير الناس: (آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلُ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهَ فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ). (بِاللَّهِ مَا عَنِيَ بِهَذِهِ الْآيَةِ إِلَّا قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِي أَعْرِفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَنْسَابِهِمْ، وَقَدْ أَمَرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ عَلَى مَا يَجِدُ لِعَلِّي فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَالْبَغْضِ).

٤٨- معاشير الناس: النور من الله عز وجل مسلوک في ثم في علي بن أبي طالب، ثم في التسلسل منه إلى القائم المهدي الذي يأخذ بحق الله وبكل حق هو لنا، لأن الله عز وجل قد جعلنا حجة علي المقصرين والمعاندين والمخالفين والخائنين والأثمين والظالمين والغاصبين من جميع العالمين.

٤٩- معاشير الناس: أُنذِرْكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ فَدَخَلْتُ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ، أَفَرَأَيْتُمْ أَوْقَعْتُ أَنْفُسَكُمْ عَلَى عِقَابِكُمْ؟ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (الصَّابِرِينَ).



[۴۶] هان مردمان! «تقوا پیشه کنید همانگونه که با بسته است و نمیرید جز با شرف اسلام». (آل عمران/۱۰۲)

### بخش ششم: اشاره به کارشکنی های منافقین

[۴۷] هان مردمان! «به خدا و رسول او و نور همراهش امان آورید (تغابن/۸)». «پیش از آنکه چهره ها را تباه و یاژگونه کنیم، یا چوتان اصحاب روز شنبه (یهودیانی که بر خدا تیرنگ آوردند) رانده شوید». (نساء/۴۷)

به خدا سوگند که مقصود خدا از این آیه گروهی از صحابه اند که آنان را با نام و نسب می شناسم لیکن به پرده پوشی کارشان مأمورم. آنک هر کس پایه کار خویش را مهر و با خشم علی در دل قرار دهد (و بداند که ارزش عمل او وابسته به آن است).

[۴۸] هان مردمان! نور از سوی خداوند در جان من، سپس در جان علی ابن ابیطالب آنگاه در نسل او تا قائم مهدی - که حق خدا و ما را می ستاند - جای گرفته، چرا که خداوند عزوجل ما را دلیل و حجت قرار داده بر کوتاهی کنندگان به عمد، ستیزه گران، ناسازگاران، خائنان و گنهکاران و ستمکاران و غاصبان از تمامی جهانبیان.

[۴۹] «هان مردمان! هشدارتان می دهم همانا من رسول خدایم. پیش از من نیز رسولاتی آمده و سپری شده اند. پس آیا اگر بمیرم یا گشته شوم به جاهلیت برمی گردید؟ و آن که به قهقرا برگردد خدا را زبان نخواهد رسانید و او سیاسی گزاران شکیبیا گر را پاداش خواهد داد. (آل عمران/۱۴۴)»



٥٠- أَلَا وَإِنْ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ.

٥١- مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَمْنُوا عَلَيَّ بِإِسْلَامِكُمْ، بَلْ لَا تَمْنُوا عَلَيَّ اللَّهُ فَيَحْصِلَ عَمَلُكُمْ وَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَيَبْتَلِيَكُمْ بِشَوَاطِئِ مَنْ نَارٍ وَنَحَاسٍ، إِنْ رَيْتُمْ لِيَا الْمَرْصَادِ.

٥٢- مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَمٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَنْصَرُونَ.

٥٣- مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنْ اللَّهَ وَأَنَا بَرِينَانِ مِنْهُمْ.

٥٤- مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلِبَاسُ مَتَوَيِّ الْمَتَكَبِّرِينَ.

٥٥- أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ!!

٥٦- مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوَرَاثَةً (فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)، وَقَدْ بَلَغْتَ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَيَّ كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَيَّ كُلِّ أَحَدٍ مِنْ شَهِيدٍ أَوَّلِمَ يَشْهَدُ، وَلَدٍ أَوَّلِمَ يُولَدُ، فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.



[۵۰] هان! علی و فرزندان من از نسل او دارای کمال شکیبایی و سپاس گراری اند.

[۵۱] هان مردمان! «اسلامتان را بر من منت مگذارید (حجرات/۱۷)» و بر خدا نیز، که اعمالتان را ببیند و توبه خواهد کرد و او بر شما خشم خواهد گرفت و شما را به «شعله ای از آتش و مس گداخته (الرحمن/۳۵)» گرفتار خواهد کرد. «به یقین پروردگار شما در کمین گاه است.. (فجر/۱۴)».

[۵۲] هان مردمان! به زودی پس از من «امامانی خواهند آمد و شما را به آتش خواهند خواند. آنان در روز رستاخیز تنها و بی یاور خواهند بود (قصص/۴۱)».

[۵۳] آگاه باشید که خداوند و من از آنان بیزاریم.

[۵۴] هان مردمان! حتماً آنان و یاوران و پیروان و تابعانشان در پست ترین جایگاه آتش خواهند بود. چه جایگاه بدی است منزل منکبران، (نحل/۲۹)

[۵۵] هان! «که آنان اصحاب ضعیفه اند». اکنون هر که در ضعیفه خود نظر کند.

[۵۶] هان مردمان! اینک جانشینی خود را به عنوان امامت و وراثت به امامت به جای می گذارم در نسل خود تا برپایی روز رستاخیز و اکنون مأموریت خود را انجام می دهم تا برهان بر هر شاهد و غایب باشد و نیز بر همه ی آنان که زاده شده یا نشده اند. پس بایسته است این سخن را حاضران به غایبان و فرزندان به فرزندان تا برپایی رستاخیز ابلاغ کنند.



٥٧- وَسَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مَلَكًا وَاعْتَصَابًا، (أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْعَاصِيِينَ الْمُعْتَصِبِينَ)، وَعِنْدَهَا سَتُفْرَغُ لَكُمْ أَيْهَا الثَّقَلَانِ (مَنْ يَفْرَغُ) وَيُرْسَلُ عَلَيْكُمَا سُوقَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ.

٥٨- مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَذْرُكُمْ عَلَيَّ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يُمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْطِيَكُمْ عَلَيَّ الْغَيْبِ.

٥٩- مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مُمْلِكُهَا الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ وَاللَّهُ مُصَدِّقُ وَعْدِهِ.

٦٠ مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ، وَهُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (الَّذِينَ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ، ثُمَّ تَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ، وَيَلْ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ).

٦١ مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ عَلَيْهَا وَنَهَيْتُهُ (بِأَمْرِهِ). فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ لَدَيْهِ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا وَأَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَأَنْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْشَدُوا، (وَصِيرُوا إِلَيَّ مُرَادِهِ) وَلَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السَّبِيلَ عَنْ سَبِيلِهِ.





[۵۷] و به زودی گروهی پس از من امامت را چپاول کرده به پادشاهی جایجا می کنند. هان! خشم خدا بر غاصبان و چپاولگران. و «البته به زودی به کار شما جن و انس خواهد پرداخت» (الرحمن/۳۱) آن که می پردازد - عذاب خواهد نمود - «و شعله های آتش و مس گداخته بر سر شما ریخته خواهد شد و در آن هنگام هر گز یاری نمی شوید» (الرحمن/۳۵)

[۵۸] هان مردمان! «...همانا خداوند عزوجل شما را به خود رها نخواهد کرد تا ناپاک را از پاک جدا کند و هر آینه خداوند شما را بر غیب آگاه نمی گرداند.» (آل عمران/۱۷۹)

[۵۹] هان مردمان! هیچ سرزمینی نیست مگر این که خداوند به خاطر تکذیب اهل آن - حتی را - آن را پیش از برپایی رستاخیز نابود خواهد کرد و آن را به «امام مهدی» خواهد سپرد و حتما خداوند وعده ی خود را انجام خواهد داد.

[۶۰] هان مردمان! شمار فرزونی از گذشتگان شما همراه شدند و خداوند نابودشان کرد و همو نابود کننده ی آیندگان است. خداوند تعالی فرموده: «...آیا پیشینیان را تبهه نکردیم؟ و در پس آنان آیندگان را نابود نساختم؟ آری یا مجرمان این چنین کنیم. وای بر ناباوران در روز رستاخیز!...» (مرسلات/۱۹)

[۶۱] هان مردمان! همانا خداوند مرا فرمان داده و بازداشته و من نیز به دستور او به علی امر و نهی کرده ام. پس دانش امر و نهی در نزد علی است. فرمان او را بشنوید تا سلامت مانید و اطاعتش کنید تا هدایت شوید و از آن چه باز می دارد خودداری کنید تا راه یابید و به سوی مقصد او حرکت کنید و هرگز راه های پراکنده شما را از راه او باز ندارد. (انعام/۱۵۳)



٦٢- معاشر الناس، أنا صراط الله المستقيم الذي أمركم  
بإتباعه، ثم علي من بعدي. ثم ولدي من صلبه أئمة  
(المهدي)، يهتدون إلي الحق و به يعدلون. ثم قرأ:  
«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنُ  
الرَّحِيمُ، مَالِكُ يَوْمِ الدِّينِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ،  
اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ  
الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ»، وقال: في نزلت وفيهم  
(والله) نزلت، ولهم عمت وإياهم خصت، أولئك أولياء الله  
الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون، ألا إن حزب الله  
هم الغالبون.

٦٣- ألا إن أعدائهم هم السفهاء الغاوون إخوان  
الشياطين يوحى بعضهم إلي بعض زخرف القول غرورا.

٦٤- ألا إن أوليائهم الذين ذكرهم الله في كتابه، فقال  
عز وجل: (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ  
مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ  
أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَيْدِهِمُ  
بِرُوحٍ مِنْهُ وَ يَدْخُلُهُمْ جَنَاتٌ تُجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ  
أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ).



## بخش هفتم: پیروان اهل بیت علیهم السلام و دشمنان ایشان

[۶۲] هان مردمان خداوند را صراط مستقیم منم که فرمان به پیروی آن داده و سپس علی است و آنگاه فرزندانم از نسل او، پیشوایان هدایت اند که به راستی و درستگی راه می برند و با حق دادگری کنند. سپس چنین خوانند: «به نام خداوند همه مهر مهر ورز. تماسی ستایش ها و بژه ی پروردگار جهاتیان است، هم او که به همه آفرینش مهر می ورزد و به ویژگیان، مهر ویژه دارد. فرمان روای روز جزا است. خداوند! تنها تو را می پرسیم و تنها از تو یاری می جوییم. ما را به صراط مستقیم رهنمایی کن. راه آنان که منت نهاده لعنشان بخشیدی، نه راه خشم شدگان و نه راه گمراهان! ... (حمد/ ۷-۱) و آنگاه ادامه داد: این سوره درباره ی من نزول یافته و شامل امامان است و به آنان اختصاص یافته. آنان اند «اولیای خدا که ترس و اتدوهی برایشان نباشد». (یوسف/ ۶۲)

هان! «همانا حزب الهی چیره خواهد بود ...» (مائده/ ۵۶)

[۶۳] هان! «...ستیزندگان آنان گمراه و نابخرد و همکاران شیطانی اند که برای گمراهی مردمان، سخنان بی هوته را به یکدیگر می رسانند...» (انعام/ ۱۱۲)

[۶۴] هشدار: خداوند در کتاب خود از دوستان امامان چنین یاد کرده است: «... (ای پیامبر ما) نمی یابی ایمان آوردگان به خدا و روز بازپسین را که سنیزد گران خدا و رسول او را دوست بدارند گرچه پدران، فرزندان، برادران و خویشانانشان باشند خداوند ایمانی را در دل هایشان تثبیت فرموده و با روحی از سوی خود، ایشان را تأیید نموده، آنان را جاودانه در بهشت هایی در خواهد آورد که از زیر درختان آن ها تهرها جاری است، خداوند از آنان خشنود است و آنان از خداوند همانان اند حرب خدا، هشدار که حزب الهی رسنگارانتند.» (مجادله/ ۲۲)



٦٥- أَلَا إِنَّ أَوْلِيَانَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ وَصَّيَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ  
فَقَالَ: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ  
الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ).

٦٦- (أَلَا إِنَّ أَوْلِيَانَهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَرْتَابُوا).

٦٧- أَلَا إِنَّ أَوْلِيَانَهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ أَمِينٍ،  
تَتَلَقَاهُمْ الْمَلَائِكَةُ بِالتَّسْلِيمِ يَقُولُونَ: (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ  
فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ).

٦٨- أَلَا إِنَّ أَوْلِيَانَهُمُ، لَهُمُ الْجَنَّةُ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ.

٦٩- أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ يَصِلُونَ سَعِيرًا.

٧٠- أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَيْثُهمُ شَهيقاً وَهِيَ  
تَفُورُ وَيُرُونَ لِهَازِ قِيرًا.

٧١- أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: (كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ  
لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعاً قَالَتْ أُخْرِيَهُمْ  
لَا وَلِيَهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِيَهُمْ عَذَاباً ضِعْفاً مِنَ النَّارِ، قَالَ  
لِ كُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ).



[۶۵] هان! دوست داران امامان - مومنانی هستند که خداوند عزوجل چنین توصیف فرموده است: «... آنان ایمان آورده باور خود را به شرک نبالوده اند، پس ایشان در امان اند و راه یافتگان...» (انعام/۸۲)

[۶۶] هشدار! یاران پیشوایان به باور رسیده گان اند و دور از تردید و انکار! (حجرات/۱۵)

[۶۷] هشدار! ایشان با آرامش و سلام به بهشت در خواهند شد و فرشتگان با رفاه و تسلیه آنان را پذیرفته می گویند: درود بر شما بان. اکنون پاکبزه شده اید! «... در بهشت جاودانه در آئید...» (حجر/۴۶)

[۶۸] هان! بهشت پاداش دوستان امامان است که در آن بی حساب روزی داده خواهند شد... (غافر/۴۰).

[۶۹] هشدار! دشمنان امامان، در آتش در آیند.. (نساء/۱۰).

[۷۰] هشدار! که ناله ی افروزش جهنم را در حالی که شعله های آن زیانه می کشد، می شنوند و زقیو (صدای بازدم) آن را درمی یابند... (ملک/۷۱).

[۷۱] و خداوند در وصفشان فرماید: «هرگاه امتی در جهنم درآید همتای خود را نفرین کند تا آن که تمامی آنان به یکدیگر پیوندند، پسینیان به پیشینیان گویند پروردگارا! اینان ما را گمراه کردند پس بر آنان کیفر دوچندان از آتش فرود آور. خداوند فرماید برای هر دو گروه کیفر دوچندان خواهد بود و لیکن شما نمی دانید.» (اعراف/۳۸)



٧٢- أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: (كَلِمَا أَلْقَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ، قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ، فَاعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ فَنَسَخْنَا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ).

٧٣- أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ.

٧٤- مَعَاشِرَ النَّاسِ، سَتَانِ مَائِنِ السَّعِيرِ وَالْأَجْرُ الْكَبِيرِ.

٧٥- (مَعَاشِرَ النَّاسِ)، عَدُوْنَا مَنْ ذَمَّهُ اللَّهُ وَلَعَنَهُ، وَوَلِيْنَا (كُلُّ) مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَ أَحَبَّهُ.

٧٦- مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي (أَنَا) النَّذِيرُ وَعَلَيَّ الْبَشِيرُ.

٧٧- (مَعَاشِرَ النَّاسِ)، أَلَا وَإِنِّي مُنْذِرٌ وَعَلَيَّ هَادٍ.

٧٨- مَعَاشِرَ النَّاسِ (أَلَا) وَإِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَيَّ وَصِيٌّ.



[۷۲] هشدار! که خداوند درباره ی دشمنان امامان فرماید:  
 «...هر گروه از آنان که در جهنم انداخته شوند، نگاهبانان آن  
 می یرسند مگر بر شما ترساننده ای نیامد؟ پاسخ دهند چرا!  
 لیکن تکذیب کرده گفتیم خداوند خبری نداده و شمایان  
 نیستید مگر در گمراهی بزرگ...» و نیز گفتند: «...اگر سخن  
 خدا را می شنیدیم یا اندیشه می کردیم اکنون در میان اهل  
 آتش نبودیم...».

پس ایتان به گناه خود اعتراف نمودند. پس دور باد دوزخیان از  
 رحمت خداوند. (ملک/ ۱۱-۸)

[۷۳] هان! یاران امامان در نهان، از پروردگار خویش ترسانند.  
 آموزش و یاداشی بزرگ برایشان خواهد بود. (ملک/ ۱۲)

[۷۴] هان مردمان! چه بسیار راه است میان شعله های آتش و  
 یاداش بزرگ!

[۷۵] هان مردمان! ستیزه جوی ما کسی است که خداوند او را  
 ناستوده و نفرین فرموده و یاران و دوستان ما آنان اند که  
 خداوند ایشان را ستوده و دوست می دارد.

[۷۶] هان مردمان! همانا من انذار حرم و علی بشارت دهنده ا

[۷۷] هان که من پیام دهنده ام و علی رهنماست.

[۷۸] هان که من پیامبرم و علی وصی من است.



٧٩- (معاشر الناس، ألا وإني رسولٌ وعليّ الإمامُ والوصيُّ من بعدي، والأئمةُ من بعدي ولدهُ. ألا وإني والدُهم وهم يخرجون من صلبه).

٨٠- ألا إن خاتم الأئمة منّا القائم المهدي. ألا إنه الظاهر علي الدين. ألا إنه المنتقم من الظالمين. ألا إنه فاتح الحصون وهادئها. ألا إنه غالب كل قبيلة من أهل الشرك وهادئها.

٨١- ألا إنه المذموم بكلّ ثار لأولياء الله. ألا إنه الناصر لدين الله.

٨٢- ألا إنه العراف من بحر عميق. ألا إنه يسم كل ذي فضل بفضله و كل ذي جهل بجهله. ألا إنه خير الله ومختاره. ألا إنه وارت كل علم والمحيط بكل فهم.

٨٣- ألا إنه المخبر عن ربه عز وجلّ والمشيّد لأمر آياته. ألا إنه الرئيد السديد. ألا إنه المفوض إليه.

٨٤- ألا إنه قد بشر به من سلف من القرون بين يديه.





[۷۹] هان سردمان! من رسول ام و علی امام و وصی پس از من است و پس از او امامان، فرزندان اویند، آگاه باشید من والد آنان و ایشان از صلب اویند.

### بخش هشتم: حضرت مهدی (عج)

[۸۰] آگاه باشید همانا آخرین امام، قائم مهدی از ماست.

هان! او بر تمامی ادیان چیره خواهد بود.

هشدار! اوست انتقام گیرنده ی از ستمکاران.

هشدار! اوست فتح کننده ی دژها و منهدم کننده ی آن ها!

هشدار! اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و رهنمای آنان.

[۸۱] هشدار! اوست خون خواه تمامی اولیای خدا.

هان! همانا او یاور دین خداست.

[۸۲] هان! او از دریایی ژرف پیمانه هایی افزون گیرد.

هشدار! او به هر ارزشمندی به اندازه ی ارزش او و به هر نادان

و بی ارزشی به اندازه ی نادانی اش تکی کند.

هان! او نیکو و برگزیده ی خداست.

هشدار! اوست میراث دار دانش ها و احاطه دار بر ادراک ها.

[۸۳] هان! او از پروردگارش خبر دهد و نشانه های او را برپا

کند و استحکام بخشد.

هشدار! اوست یالیده و استوار.

آگاه باشید! هم اوست که اختیار امور جهانیان به او سپرده

شده است.

[۸۴] هان! پیشینیان از قرن ها ظهور او را پیشگویی کرده اند.



٨٥- أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةٌ وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ  
وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ.

٨٦- أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنصُورَ عَلَيْهِ. أَلَا إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي  
أَرْضِهِ، وَحُكْمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَأَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ.

٨٧- مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي قَدْ نَبِّئْتُ لَكُمْ وَأَفْهِمْتُكُمْ، وَ هَذَا  
عَلَيَّ يُفْهِمُكُمْ بَعْدِي.

٨٨- أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَيَّ مُصَافِقَتِي  
عَلَيَّ بَيْعَتِهِ وَالْإِفْرَارِيهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي.

٨٩- أَلَا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَعَلَيَّ قَدْ بَايَعَنِي، وَأَنَا أَخَذْتُكُمْ  
بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. (إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا  
يَبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ. فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ  
عَلَى نَفْسِهِ، وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِنْ سَيِّئَاتِهِ أَجْرًا  
عَظِيمًا).

٩٠- مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ،  
(فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا وَ  
مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ).



[۸۵] هشدار! اوست حجت پایدار و پس از او حجتی نخواهد بود. (این تعبیر به عنوان حجت، امامت و مسئولیت است و نظری به رجعت دیگر امامان ندارد. زیرا آنان حجت های پیشین اند که دوباره رجعت خواهند کرد.) راستی و درستی و روشنائی جز با او نیست.

[۸۶] هان! کسی بر او پیروز نخواهد شد و ستیزنده او یاری نخواهد گشت. هشدار! او ولی خدا در زمین، داور او در میان مردم و امامت دار امور آشکار و نهان است.

### بخش نهم: مطرح کردن بیعت

[۸۷] هان مردمان! من پیام خدا را برایتان آشکار کرده، تفهیم نموده ام و این علی است که پس از من شما را آگاه می کند.

[۸۸] اینک شما را سی خوانم که پس از یابان خطبه برای انجام بیعت با او و اقرار به امامتش، با من و سپس با او دست دهید.

[۸۹] هشدار! من با خداوند بیعت کرده ام و علی با من پیمان بسته است و اکنون از سوی خدای عزوجل بر امامت او از شما پیمان می گیرم.

(ای پیامبر!) آنان که با تو بیعت کنند، هر آینه با خدا بیعت کرده اند. دست خدا بر فراز دستان آنان است و آن کس که بیعت شکند به زیان خود شکسته و خداوند آن را که بر پیمان الهی وفادار باشد پاداشی بزرگی خواهد داد. بخش دهم: حلال و حرام، واجبات و محرمات

[۹۰] هان مردمان! همانا حج و عمره از شعائر و آداب خدایی است. پس زائران خانه خدا و عمره کنندگان بر صفا و مروه بسیار طواف کنند و آن کس که در انجام کار خیر قوسان برداری کند، پس حتما خداوند سپاس گزار داناست. (بقره ۱۵۸)



٩١- معاشر الناس، حُجُّوا النِّيْتَ، فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ نِيْتِ إِلَّا اسْتَعْنُوا وَابْشَرُوا، وَلَا تَخْلُقُوا عَنْهُ إِلَّا بَتْرُوا وَافْتَقَرُوا.

٩٢- معاشر الناس، ما وَقَفَ بِالمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللهُ لَهُ ما سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَيَّ وَفْتِهِ ذاك، فَإِذَا انْقَضَتْ حُجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ. معاشر الناس، الْحُجَّاجُ مُعَانُونَ وَنَفَقَاتُهُمْ مُخْلَقَةٌ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.

٩٣- معاشر الناس، حُجُّوا النِّيْتَ بِكمالِ الدِّينِ وَالتَّقْضَى، وَلَا تُنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتُوبَةٍ وَإِقْلَاعٍ.

٩٤- معاشر الناس، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ، فَإِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَقَصِّرْتُمْ أَوْ نَسِيتُمْ فَعَلِي وَلِيِّكُمْ وَمُبِينٌ لَكُمْ، الَّذِي نَصَبَهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي أَمِينٌ خَلَقَهُ. إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، وَهُوَ مَنْ تَخْلُقُ مِنْ دُرِّيَّتِي يُخْبِرُونَكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَيُبَيِّنُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

٩٥- أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهُمَا وَأَعْرِفَهُمَا فَأَمْرٌ بِالْحَلَالِ وَنَهْيٌ عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ،



۹۱۱ | هان مردمان ! در خانه ی خدا حج به جای آورید، هیچ خاندانی داخل آن نشد مگر بی نیاز شد و مژده گرفت و آنکه روی از آن بر داشت بی بهره و نیازمند گشت.

[۹۲] هان مردمان ! مومنی در موقف ( عرفات، مشعر - منا ) نماند مگر اینکه خداوند گناهان گذشته ی او را آمرزید. پس بایسته است که پس از پایان اعمال حج ( با پاکی ) کار خود را از سر گیرد.

[۹۳] هان مردمان ! حاجیان، از سوی خداوند کمک شده و هزینه های سفرشان جایگزین خواهد شد و البته خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نخواهد فرمود. هان مردمان ! خانه ی خدا را با دین کامل و ژرفایی دانش دیدار کنید و از زیارت گاه ها جز با توبه و بازایستادن ( از گناهان ) بر نگردید.

[۹۴] هان مردمان ! نماز را به پا دارید و زکات پردازید همان سالی که خداوند عزوجل امر فرسوده است. پس اگر زمان بر شما دراز شد و کوتاهی کردید و یا از یاد بردید علی صاحب اختیار و تبیین کننده ی بر شماست. همو که خداوند عزوجل پس از من او را امانت دار خویش در میان آفریدگان نهاده است. او از من و من از اویم. همانا او و جانشینانش از فرزندان من به پرسش هایتان پاسخ داده ، آنچه را نمی دانید به شما می آموزند.

[۹۵] هان اروا و ناروا بیش از آن است که آن ها را شمارش کرده یکباره به روا فرمان دهم و از ناروا بازدارم.



فَأَمَرْتُ أَنْ أَخَذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفَقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ  
عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ  
الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ إِمَامُهُ فِيهِمْ قَائِمُهُ، خَاتَمُهَا الْمَهْدِيُّ  
إِلَيَّ يَوْمَ يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي يُقَدَّرُ وَيُقْضَى.

٩٦- مَعَاشِرَ النَّاسِ، وَ كُلِّ حَلَالٍ دَلَلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَ كُلِّ حَرَامٍ  
نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ أَبْدَلْ أَلَا  
فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَ احْفَظُوهُ وَ تَوَاصَوْا بِهِ، وَلَا تُبَدِّلُوهُ وَلَا تُغَيِّرُوهُ.  
أَلَا وَ إِنِّي أَجِدُّ الْقَوْلَ: أَلَا فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ آمُرُوا  
بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

٩٧- أَلَا وَإِنْ رَأْسُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهَوْا إِلَيَّ قَوْلِي  
وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَخْضَرْ وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي وَ تَنْهَوُهُ عَنْ  
مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَمِنِّي. وَلَا أَمْرٌ بِمَعْرُوفٍ  
وَلَا نَهْيٌ عَنِ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

٩٨- مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ  
وَلَدُهُ، وَ عَرَّفْتُكُمْ إِنَّهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ:  
(وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ). وَقُلْتُ: «لَنْ تَضِلُّوا مَا إِنْ  
تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا».



از این روی مأمورم که از شما پیمان بگیرم که دست در دست من تهید در پذیرش آن چه از سوی خداوند درباره «علی امیرمؤمنان» آورده ام و درباره اوصیای من از او که از من و اویند. این امامت در میان آنان پایدار است و فرجام آنان «مهدی» است و استواری پیشوایی تا روزی است که او با خداوند قدر و قضا دیدار کند (قیامت).

[۹۶] هان مردمان اشمایان را به هر روا و ناروا (حلال و حرام) رهنمایی کردم و از آن بر نمی گردم. هان! آنها را یاد آورید و نغمه دارید و یکدیگر را به آن توصیه کنید و احکام خدا را دگرگون نسازید. هشدار دوباره یاد می آورم: هان! نماز به پا دارید و زکات بپردازید و به معروف فرسان دهید و از منکر باز دارید.

[۹۷] هشدار ابرترین بحث امر به معروف این است که به گفته ی من - درباره امامت و ولایت علی و فرزندان او - برسید و سختم را به دیگران برسانید و غایبان را به پذیرش فرمان من توصیه کنید و آنان را از ناسازگاری با من باز دارید که این سخنان، فرمان خدا و من است. هان! هیچ امر به معروف و نهی از منکری جز با امام معصوم تحقق و کمال نمی یابد.

[۹۸] هان مردمان! قرآن بر شما روشن می کند که امامان پس از علی فرزندان اویند و من به شما معرفی کردم که آنان از او و از من اند چرا که خداوند در کتاب خود می گوید: «امامت را فرمانی پایدار در نسل او قرار داد...» (زخرف/ ۲۸) و من نیز گفته ام مادام که به آن دو - قرآن و امامان - تمسک کنید گمراه نخواهید شد.



٩٩- معاشر الناس، التقوي، التقوي، واخذروا الساعة كما قال الله عز وجل: (إن زلزلة الساعة شيء عظيم).

١٠٠- اذكروا الممات (والمعاد) والحساب والموازن والمحاسبة بين يدي رب العالمين والثواب والعقاب. فمن جاء بالحسنة أتت بها وعليها ومن جاء بالسيئة فليس له في الجنان نصيب.

١٠١- معاشر الناس، إنكم أكثر من أن تصافقوني بكف واحد في وقت واحد، وقد أمرني الله عز وجل أن أخذ من أليستكم الأقرار بما عقدت علي أمير المؤمنين، ولمن جاء بعده من الأئمة مني ومنه، علي ما أعلمتكم أن ذريتي من صلبه.

١٠٢- فقولوا بأجمعكم: «إنا سامعون مطيعون راضون منقادون لما بلغت عن ربنا وربك في أمر إمامنا علي أمير المؤمنين ومن ولد من صلبه من الأئمة. نبايعك علي ذلك بقلوبنا وأنفسنا وأليستنا وأيدينا. علي ذلك نخفي وعلنيه نموت وعلنيه نبعث. ولا نغير ولا نبدل، ولا نشك (ولا نخذل) ولا نرتاب، ولا نرجع عن العهد ولا ننقض الميثاق».





۱۹۹) هان مردمان! پرهیزکاری! پرهیزکاری! از سختی  
 و ستم به پرهیزید آن سان که خداوند عزوجل فرموده: «  
 البته زمین لرزه ی رستخیز حادثه ای بزرگ است...»  
 (حج/۱)

۱۰۰) یاد آورید مرگ و قیامت را، حساب و ثراوهایی (ا  
 اعمال) را، محاسبه ی در برابر پروردگار جهانیان و پاداش  
 و کیفر را، پس آن که نیکی کرد پاداش گیرد و آن که بدی  
 کرد بهره ای از بهشت نخواهد برد.

### بخش یازدهم: بیعت گرفتن رسمی

۱۰۱) هان مردمان! شمار شما بیش از آن است که در یک  
 زمان با یک دست با من بیعت کنید. از این روی خدای  
 عزوجل دستور فرموده که از شما اقرار زبانی گیرم و پیمان  
 سرپرستی علی «امیر المؤمنین» را محکم کنم و نیز بر  
 امامان پس از او که از نسل من و اویند چرا که گفتم که  
 فرزندانم از نسل اویند.

۱۰۲) پس همگان بگویید: «البته که سخنان تو را شنیده  
 پیروی می کنیم و از آن خوشنود و بر آن گردن گذار، و بر  
 آن چه از سوی پروردگارتان و پروردگار تو در امامت  
 امامان علی «امیر المؤمنین» و دیگر امامان - از صلب او -  
 به ما ابلاغ کردی، یا تو پیمان می بندیم، پیمانی یا دل، یا  
 جان یا زبان و یا دستانتان. با این پیمان زنده ایم و با آن  
 خواهیم مرد و با این اعتقاد برالغیخته می شویم و هرگز آن  
 را دگرگون نکرده شک و انکار نخواهیم داشت و هرگز از  
 عهد خود برنگشته پیمان نشکنیم.



وَعَظَّمْنَا بِوَعْظِ اللَّهِ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ الَّذِينَ ذُكِرَتْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وَلَدِهِ بَعْدَهُ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنَ وَمَنْ نَعَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا. فَالْعَهْدُ وَالْمِيثَاقُ لَهُمْ مَا خُوذُ مِنَّا، مِنْ قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسِّتَتَا وَضَمَانِنَا وَأَيْدِينَا. مَنْ أَدْرَكَهَا بِيَدِهِ وَإِلَّا فَقَدْ أَقْرَبَ لِسَانِهِ، وَلَا نَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا يَرِي اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا جَوْلًا. نَحْنُ نُؤَدِّي ذَالِكَ عَنْكَ أَدْنَانِي وَالْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَأَهَالِينَا، وَنُشْهِدُ اللَّهَ بِذَالِكَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ».

١٠٣- معاشير الناس، ما تقولون؟ فإن الله يعلم كل صوت وخافية كل نفس، (فمن اهتدي فلنفسه ومن ضل فإنما يضل عليها)، ومن بايع فإنما يبايع الله، (يد الله فوق أيديهم).

١٠٤- معاشير الناس، فبايعوا الله وبايعوني وبايعوا علياً أمير المؤمنين والحسن والحسين والأئمة (منهم في الدنيا والآخرة) كلمة باقية. يهلك الله من غدر و يرحم من وفي، (و من نكث فإنما ينكث علي نفسه و من أوفي بما عاهد عليه الله فسيؤتيه أجراً عظيماً).



(ای رسول خدا) ما را به فرمان خدا دهند دادی ، درباره علی امیر مومنان و امامان پس از او ، فرزندان از نسل او ، حسن و حسین و پیشوایان بعد از آن دو ، که خداوند بر پایشان کرده . اینک برای آنان عهد و پیمان از ما گرفته شد از دل ها ، جان ها ، زبان ها و درون ها و از دستانمان ، هرکس توانست با دست و گرنه با زبان بیعت نمود دیگر پیمان نخواهیم شکست و خداوند دگرگونی از ما نبیند و از این پس فرمان تو را به نزدیک و دور از فرزندان و خویشان خواهیم رساند و خداوند را بر آن گواه گرفته او بر گواهی کافی است و تو نیز بر ما گواه باش .

[۱۰۳] هان ! مردمان ! اکنون چه می گوئید ؟ البته خداوند هر صدایی را می شنود و بر اسرار دلها آگاه است (هرآن کس که هدایت پذیرد به خیر خویش پذیرفته و آن که گمراه شد به زیان خود رفته...) (زمر/۴۱) . و آن کس که بیعت کند حتماً با خداوند پیمان بسته «دست خدا بالای دستان آن ها است ...» (فتح/۱۰)

[۱۰۴] هان مردمان آنک با خداوند بیعت کنید و با من پیمان ببندید و یا علی امیر مؤمنان و حسن و حسین و با امامان از نسل آنان که پس از آنان خواهند بود امامانی که فرمانی بایدار در دنیا و آخرت اند ، خداوند مگاران را تباه می کند و به باوقایان مهر می ورزد \* هرکس پیمان شکند البته به زیان خود محام تهداد و آن که بر عهدش پا برجا ماند بزودی خدا او را پاداش بزرگی خواهد داد...» (فتح/۱۰) .



١٠٥ - معاشر الناس، قولوا الذي قلت لكم وسلموا علي علي بإمرة المؤمنين، وقولوا: (سمعنا وأطعنا غفرانك ربنا وإليك المصير)، وقولوا: (الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق).

١٠٦ - معاشر الناس، إن فضائل علي بن أبي طالب عند الله عز وجل - وقد أنزلها في القرآن - أكثر من أن أحصيتها في مقام واحد، فمن أنباكم بها وعرفها فصدقوه.

١٠٧ - معاشر الناس، من يطع الله ورسوله وعلياً والأئمة الذين ذكرتهم فقد فاز فوزاً عظيماً.

١٠٨ - معاشر الناس، السابقون إلي مبايعته وموالاته والتسليم عليه بإمرة المؤمنين أولئك هم الفائزون في جنات النعيم.

١٠٩ - معاشر الناس، قولوا ما يرضي الله به عنكم من القول، فإن تكفروا أنتم و من في الأرض جميعاً قلن يضر الله شيئاً.

١١٠ - اللهم اغفر للمؤمنين (بما أذيت وأمرت) واغضب علي (الجاحدين) الكافرين، والحمد لله رب العالمين.



۱۰۵] هان مردمان! بگویند هر آن چه به شما گفتم! و به علی با لقب «امیر المؤمنین» سلام کنید و اکنون بگویند: «شنیدیم و فرمان می بریم پروردگارا، آمرزشت خواهیم و به سوی توست بازگشت» (بخشی از آیه ۲۸۵ بقره) و بگویند: «تمام ستایش و سپاس خدایی راست که ما را به این راه هدایت فرمود و گرنه راه نمی یافتیم و البته فرستادگان پروردگارمان به درستی آمده اند...» (اعراف/۴۳)

۱۰۶] هان مردمان، برتری های علی بن ابیطالب نزد خداوند عزوجل - که در قرآن نازل فرموده - بیش از آن است که من یکباره برشمارم، پس هر کس از مقامات او خبر داد و آن ها را شناخت، او را باور کنید.

۱۰۷] هان مردمان! (احزاب/۷۱) فرمان بردار از خدا و فرستاده ی او و از علی و اسامان که نام بردم به رستگاری بزرگ دست یافته است.

۱۰۸] هان مردمان، سبقت جویان به بیعت و پیمان و سرپرستی او و سلام کنندگان بر او با لقب «امیر المؤمنین» رستگارانند و در بهشت های پر بهره خواهند بود.

۱۰۹] هان مردمان! آنچه خدا را خوشنود می کند بگویند، و اگر شما و تمامی زمینیان کفران ورزند خدا را زبانی نخواهد رسید.

۱۱۰] خداوند! پیامرزان امان آورندگان به آن چه ادا کرده و فرمان داده، و بر انکار کنندگان کافر خشم گیر و الحمد لله رب العالمین



## منابع و اسناد خطبه

خوشبختانه متن مفصل خطبه غدیر در بیش از ۹ کتاب از کتب معتبر شیعه نقل شده است.

روایات این ۹ کتاب به سه طریق منتهی می‌شود:

۱- به روایت امام محمد باقر (ع)

۲- به روایت حذیفه بن یمان

۳- به روایت زید بن ارقم

در میان بزرگان شیعه کتب زیادی در زمینه حدیث و خطبه غدیر تألیف شده است که از آن جمله است:

۱- الطرائف: سید بن طاووس (ره)

۲- عیقات الانوار: میر حامد حسین هندی (ره)

۳- الغدیر: علامه امینی (ره)

۴- عوالم العلوم: شیخ عبد الله بحرانی (ره)

۵- اثباه الهداه: شیخ حر عاملی (ره)

۶- نفحات الازهار فی خلاصه عیقات الانوار: علامه سید

علی میلانی (ره) و ...

تعداد زیادی از بزرگان اهل سنت نیز نظیر: بخاری، ثعلبی،

ذهبی، ابن حجر، تفتازانی، ابن اثیر، جاحظ و ... حدیث

غدیر را به عنوان یکی از مسلحات روایی، روایت و نقل

کرده اند.